

نگاه **علی احمدی فراہانی**؛ تاریخ‌پژوه

اصالت دینی نهضت جنگل، به روایت صاحب‌نظران

از تمام محرمات دینی مجتنب بود

هویت دینی شخص میرزا کوچک‌خان جنگلی و نیز قیامی که از آن به نهضت جنگل تعبیر می‌شود، از جمله مهم‌ترین موضوعات و سرفصل‌ها در موضوع خویش به‌شمار می‌رود. به واقع اغلب آنان که درباره میرزا وهیتی که او می‌خواست به نهضتش بدهد، مطالبی نگاشته‌اند، به این مقوله اذعان کرده و آن را مورد تأکید قرار داده‌اند. آیت‌الله رضا استادی از محققان و تاریخ‌پژوهان حوزه علمیه قم، در این موضوع معتقد است: «من فکر می‌کنم نخستین کسی که درباره میرزا کوچک‌خان چیزی نوشته، مرحوم دهخداست و این نوشته از یادداشت‌های اصلی دهخداست، نه اینکه بعدها اضافه شده باشد و تا آنجا که بنده خبر دارم، دهخدا طرز فکرش جواری نبوده که بخواهد از روحانیت یا روحانیون دفاع کند بلکه شواهدی در دست است که گاهگاهی با آنها معارضه هم و بالاتر، اینکه گاهی تحقیر هم می‌کرده است! البته لغتنامه‌ا ایشان خدمتی است به فرهنگ ما و هیچ‌کس منکر این خدمت نیست اما روحیه‌اش روحیه‌ای نبوده که بخواهد روحانیت را ترویج کند. ایشان در این یادداشت چنین آورده است: میرزا کوچک‌خان از مجاهدین گیلان بود که با میرزا کریم‌خان و سردار محبی‌الدین برای بیرون کردن محمد علی‌شاه به تهران آمد. او سربازی بی‌نهایت شجاع بود. اول بار که او را دیدم، جوانی خوش قیافه به سنن سی سال می‌نمود. در نهایت درجه معتقد به اسلام و همان حد نیز وطن‌پرست بود.شاید آن هم از راه اینکه ایران وطن او یک مملکت اسلامی است، دفاع از او را واجب می‌شمرد. نماز و روزه او هیچ وقت ترک نمی‌شد. از تمام محرمات دینی مجتنب بود، لیکن در دین خرافی بود و همه کارها را از فعل و ترک با استخاره سبچه و یا قرآن می‌کرد. آنگاه که در تهران بود، لباس عادی داشت و ریش خود را نمی‌تراشید، چه آن را خلاف شرع می‌شمرد. قانع و بی‌طمع بود… همیشه متفکر بود و بسیار کم تکلم می‌کرد… می‌گفتند در اول طلبه دینی بود و مقدماتی از عربی و فقه می‌دانست. رحمة‌الله‌علیه.»



میرزا کوچک‌خان جنگلی در دوره طلبگی

علامه علی اکبر دهخدا: «اول بار که میرزا کوچک‌خان را دیدم، جوانی خوش قیافه به سن سی سال می‌نمود. در نهایت درجه معتقد به اسلام و همان حد نیز وطن‌پرست بود. شاید آن هم از راه اینکه ایران وطن واجب می‌شمرد. نماز و روزه او هیچ وقت ترک نمی‌شد. از تمام محرمات دینی مجتنب بود… می‌گفتند در اول طلبه دینی بود و مقدماتی از عربی و فقه می‌دانست»

دیگر شاهد بر هویت دینی میرزا، رفتار او با برخی یاران پیشین خود است که به چپ روی آورده و از هویت دینی نهضت جنگل روی آورده بودند. غربت و نهایتاً شهادت او، از آن هنگام کلید خورد که وی و ایشان را ترک گفت و راه جنگل را در پیش گرفت. سیدره راضیه حسینی، پژوهشگر تاریخ معاصر ایران، در این باره می‌نویسد: «میرزا کوچک‌خان جنگلی با ائتلاف با اعضای حزب عدالت، در خرداد ۱۲۹۹ استقرار جمهوری شوروی در گیلان اعلام کرد، اما یک مساه بعد از این حادثه، اعضای حزب عدالت که اکنون نام خود را به حزب کمونیست ایران تغییر داده بودند، دست به تبلیغ کمونیسم زدند و با حمایت قوای ارتش سرخ شوروی، علیه میرزا کوچک‌خان کودتا و وی را از تمام مسئولیت‌های خود عزل کردند. با به حاشیه رفتن میرزا در رهبری جنگلی‌ها و قدرت گرفتن افرادی همچون احسان‌الله‌خان و خالوقربان و افراد و گروه‌های کوچک دارای گرایش‌های غیرمذهبی، نهضت جنگل به‌تدریج پایگاه مردمی و محبوبیت خود را از دست داد. در واقع امثال احسان‌الله‌خان و خالوقربان با دست زدن به پاره‌ای از اقدامات ضددینی و ترویج اندیشه‌های کمونیستی و اقدام در جهت مصادره املاک خرد مردم مالکان و آزار و اذیت مردم عادی، موجب‌نا رضایتی عمومی از نهضت و تضعیف مشروعیت آن را ایجاد کردند. چنان‌که گفته‌اند: در رشت و انزلی و سایر نقاط گیلان اموال زمینداران کوچک، تجار و صنعتگران ضبط و مصادره گردید. علیه قرآن و روحانیون علم می‌شد و می‌خواستند که زن‌ها چادر خود را کنار بگذارند! این را حرکات برای عوامل امپریالیسم و شاه، عملاً بسیار مناسب بود و چنان‌که بعداً معلوم شد در صفوف کمونیست‌های ایران، آشوبگران انگلیسی نفوذ کرده بودند که شعارهای تحریک‌کننده به‌خصوص علیه روحانیون سر می‌دادند. نتیجه این اعمال این شد که جبهه واحد به سرعت در هم ریخت…».

گزارش روزنامهنگار احمد سینایی

در روزهایی که بر ما گذشت، رهبر انقلاب اسلامی زنده‌یاد میرزا کوچک‌خان جنگلی را، در زمره مبارزانی خواندند که در جریانات سیاسی تاریخ معاصر ایران، رفتار و رویکردی بسیجی‌وار داشته‌اند. تقارن این داوری با سالروز شهادت آن بزرگ، باعث شد تا مقال بی‌آمه را به شما تقدیم داریم؛ امید آنکه مفید آید.

مدرس می‌خواست «میرزا» و «پسیان» را به تهران بیاورد

بی‌شک حرکت زنده‌یاد میرزا کوچک‌خان جنگلی، ماهیتی دینی و ملی داشت. این امر باسلا کسان گوهی کرده‌اند که شهید آیت‌الله سیدحسین مدرس در زمره ایشان است. او میرزا را شخصیتی با حسن‌نیت می‌دانست و در صدد بود تا حرکت وی را به تهران بکشاند و دامنه آن را توسعه دهد. شاکست‌ترین محققان حیات سیاسی وی، در این باره معتقد است: «از تباط میرزا کوچک‌خان با آیت‌الله مدرس، توسط مستوفی‌الممالک برقرار بود که نام او تحت‌عنوان منشی در اسناد و مکاتبات تاریخی موجود است. مستوفی‌الممالک تلاش می‌کرد، میرزا را در شمال کفند تا در وقت مناسب وارد میدان نبرد با رضاخان شود اما استادان رضاخان یعنی انگلیسی‌ها، کار کشته سیاست بودند و بدیهی است اجازه چنین کاری را به مخالفین رضاخان نمی‌دادند. به همین دلیل یک روز سرسر بریده میرزا او روز دیگر، سر بریده محمدتقی‌خان پسیان را جلوی رضاخان گذاشتند و تمام افراد وطن‌پرست را، یکی‌یکی نابود کردند و ایادی خود را به قدرت رساندند. البته مرحوم مدرس فقط به‌شکار به شکل علنی و آن هم در نقط مجلس از میرزا نام برد و گفت: کاش در شرایط سخت کنونی، مردان وطن‌پرستی چون میرزا تقی‌خان امیرکبیر، میرزا کوچک‌خان و کلنل محمدتقی‌خان پسیان داشتیم… به هر حال مرحوم مدرس به میرزا علاقه داشت و او را تأیید می‌کرد. ایشان اساساً به هر کسی که در برابر رضاخان ایستادگی می‌کرد، علاقه داشت؛ زیرمایت رضاخان را به‌درست شناخته بود. میرزا هم خیلی خوب می‌دانست که رضاخان دست‌نشانده انگلیس است و از طریق او نمی‌شود به آزادی و دموکراسی دست یافت. انگلیسی‌ها سعی می‌کردند نهضت جنگل، قیام محمدتقی‌خان پسیان، قیام شیخ محمد خیابانی و مبارزه مرحوم مدرس را از رونه جلوه بدهند و آنها را باغی گر و شکستن قانون قلمداد کنند تا کسی که این قیام‌ها را سرکوب می‌کند، قهرمان ملی جلوه کند! آنها دائماً بر این نکته تأکید می‌کردند، رضاخان و افشاش و آشفتگی ایران خاتمه داد و امنیت و دموکراسی را برای ملت ایران به ارمغان آورده است. همانطور که اشاره کردم، مدرس می‌خواست میرزا و محمدتقی‌خان پسیان را به تهران بکشاند، چون حداقل فایده‌اش این بود که رضاخان کمی دست و پایش را جمع می‌کرد و انظور تاخت و تاز نمی‌کرد. جبهه مقابل رضاخان با این اقدام، قوی‌تر می‌شد. شاهدان این مدعا، همان احساس خطری است که رضاخان در اواخر کار نهضت جنگل از میرزا پیدا کرد. میرزا نمایندگان خود را به تهران و نزد قوام‌السلطنه فرستاد و او هم گفت: باید مستقیماً با خود رضاخان حرف بزیند. رضاخان می‌دانست قصد آنها چیست و اگر فرصت پیدا کنند، زیادی پید خواهند کرد و به همین دلیل شبانه به طرف گیلان حرکت و حمله

تاریخ



میرزا کوچک‌خان جنگلی، در حالپه نخستین جلسه مذاکره با روس‌ها

رهبری که جذاب بود، حتی برای ناهمفکرانش

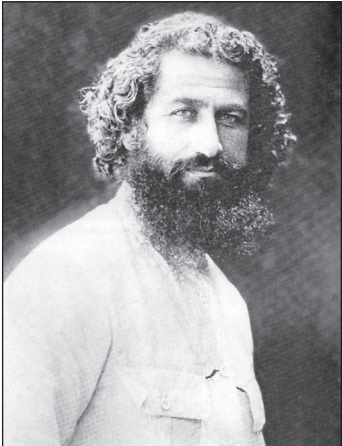
کارنامه سیاسی میرزا کوچک‌خان جنگلی، در آینه ۴ تحلیل

به نیروهای میرزا را طراحی کرد که به برانگه‌شدن جنگلی‌ها و بیخ‌زدن میرزا و گلوک و مرگ آنها منتهی شد. من در پژوهش‌های تاریخی به سندی درباره پیداکردن جنازه میرزا در برف‌ها و چند توبه‌نامه که بعضی از آنها خود آلود هستند، دست یافته‌ام…»

پیروزی نهضت جنگل، به نفع روس‌ها نبود

تعلمل کوتاه‌ومقطعی میرزا باروس‌ها،از سرفصل‌های حیات سیاسی او و نهضتش قلمداد می‌شود.این بخش از رویکرد وی، هموار، محلل تحلیلی‌ها و گمناهم‌های گوناگون بوده است؛ امری که همچنان امتداد دارد. دکتر کیانوش کیانی هفت‌لنگ، پژوهشگر نهضت جنگل، موضوع را اینگونه می‌بیند:

«جنگلی‌ها تا زمانی که حکومت تزار بر سر کار بود، با آنها مبارزه می‌کردند ولی در اکتبر سال ۱۹۱۷که انقلاب بلشویکی در روسیه به پیروزی رسید، با توجه به اینکه شعارهای مردم گریانه و آزادخواهانه‌ای می‌دادند و حداقل در ابتدای کار مدعی نجات کشورها، از یوغ گوناگون بود، میرزا و وزیر مختار شوروی در ایران، هنگام تقدیم پیچ بودند. پیروزی نهضت جنگل به نفع روس‌ها نبود چون میرزا مرد متدینی بود و به حقایق راه خود اعتقاد کامل داشت و جانش را هم بر سر پیمانش گذاشت. اسناد تاریخی فراوانی در این زمینه وجود دارند؛از جمله در کتاب «تاریخ بیست‌ساله» حسین مکی آمده است: روتشتاین، وزیر مختار شوروی در ایران، هنگام تقدیم اعتبارنامه خود به احمد شاه، صراحتاً از قضیه جنگلی‌ها در گیلان، اظهار تأسف می‌کند و امیدوار است در نتیجه مساعی و اهتمامات شاه، این قضیه هر چه زودتر خاتمه یابد، تا آسیبی به روابط دو کشور وارد نشود… انقلاب گیلان از نظر روتشتاین، مسئله گیلان است و او از طرف دولت شوروی، نهایت صمیمیت را در تسریع تصفیه یا حل مسئله به خرج داده و قول همکاری‌های عاجل و مفکی در رفع این قضیه را، به شاه داده است! تمام این نکات در سخنرانی روتشتاین، به مناسبت تاجگذاری احمدشاه در ۱۶ اردیبهشت سال ۱۲۰۰ه‍.ق و سنند او موجود است. به هر حال در تناقض و تضاد آشکار اعتقادات و باورهای میرزا با بلشویک‌ها که ذره‌ای تردید نمی‌توان کرد، اما همانطور که اشاره کردم آنها ابتدا با شعارهایی از قبیل برابر ی، برادری، حمایت از طبقه محروم و کار گر و ضدیت با استکبار و استبداد، انقلاب ایران خاتمه داد و امنیت و زمان می‌گشت، تا کذب این دروغ‌ها بر ملت شوروی و ملل دیگر آشکار شود. از این گذشته سیاست ایجاد می‌کند در مقاطعی به‌طور موقت هم که شده است، با جریانات سیاسی یا کشورهای دیگر نزدیک شوید، تا بتوانید با توجه به شرایط زمانی و در چهار چوب اهدافتان، از آنها استفاده کنید. مدارک زیادی نشان می‌دهند بلشویک‌ها و عناصر آموزش‌دیده داخلی آنها، قصد داشتند که بر روی مکن در نهضت جنگل نفوذ کنند و آن را به سمت یک جریان سوسیالیستی سوق و ماهیت آن را تغییر بدهند و ایران را هم جزو اردوگاه سوسیالیسم کنند اما میرزا در برابر این نیت کمونیست‌ها، ایستادگی و در واقع نقشه‌های عریض و طولی آنها را تشر بر آب کرد…».



دکتر علی مدرسی: «میرزا خیلی خوب می‌دانست که رضاخان دست‌نشانده انگلیس است و از طریق او نمی‌شود به آزادی و دموکراسی دست یافت. انگلیسی‌ها سعی می‌کردند نهضت جنگل، قیام محمدتقی‌خان پسیان، قیام شیخ محمد خیابانی و مبارزات مرحوم مدرس را، و رونه جلوه بدهند و آنها را باغی‌گر و شکستن قانون قلمداد کنند تا کسی که این قیام‌ها را سرکوب می‌کند، قهرمان ملی جلوه کند…».

میرزا زود فهمید که اعتماد به قدرت‌ها، بی‌فایده است

علام‌افول نهضت جنگل از چه دور‌های و چگونه آغاز شد؟ این پرسشی است که بسا پژوهندگان این حرکت تاریخی، مطرح ساخته‌اند. دکتر فتح‌الله کلاورز به‌رغم آنکه میرزا کوچک‌خان را شخصیتی خودانگا و مقاوم می‌داند، اما امیدوی به برخی عناصر و جریانات داخلی

از شخصیته‌ها و رویدادها داشتند. باجنبه‌بودن و پختگی میرزا که به‌رغم اعتقاد عمیق دینی، می‌تواند افراد با گرایش‌های مختلف را دور هم جمع و آنها را تحمل کند، بسیار پراهمیت است. جذب افراد با افکار و سلیقه‌های گوناگون حول یک هدف مشترک، کار هر کسی نیست هر چند حرکت میرزا به نتیجه نرسید، اما آثار ارزشمندی در تاریخ کشور ما داشت. با این همه شرایط جهانی به‌گونه‌ای بود که حتی اگر بسیاری از کشورها هم به کمک میرزا می‌آمدند، نهضت جنگل به نتیجه نمی‌رسید! چون معادلات جهانی به این نتیجه رسیده‌بود که نهضت جنگل باید از میان برداشته شود. در این راه انسان‌های بسیار مخلص‌ی شهید شدند که حتی نامی هم از آنها باقی نماند، اما خون پاکشان تأثیر خود را روی هر چند حرکت میرزا به نتیجه کشوف، گذاشت…»

و سرانجام، زاورد یک حیات ۴۳ساله!

تاریخ‌سازان را با کارنامه آنان می‌سنجند. میرزا نیز از این قاعده مستثناء نیست. او در طول زندگی کوتاه ۴۳ساله خویش، دست‌نواردهایی فراوان داشت و توفیقاتی ارجمند یافت. او به عرصه‌های فراوان مبارزاتی در آن تجربه و در آنها نقشه مشر و طه در محمدحسن اصغرنیا، تاریخ‌پژوه نهضت جنگل، کارنامه او را به‌ترتیب بی‌امده بازخوانده است:

«موقعی که میرزا در رشت بود، اتفاقات مهمی افتادند. اوایل روس‌ها و قزاق‌ها در رشت حاکمیت داشتند. بعد که انقلاب اکتبر پیش آمد و حکومت تزارها ساقط شد، وضع فرق کرد. لنین پیغام داد: من دوستدار آزادی ملت‌ها هستم و به من بگویید چه کار می‌توانم برای شما بکنم؟ میرزا پیشنهاد مشروطه در گیلان مشغول مبارزه بود و قزاق‌ها او را گرفتند و به تهران تبعید کردند.روس‌ها در این زمان ۳استنباه استراتژیک کردند؛ یکی اینکه مجلس راه توپ‌بستند و عده زیادی از نمایندگان را کشتند و دیگر به توپ‌بستن مسجد گوهر شادبود که باعث شد مردم به سمت آزادیخواهان، ازجمله میرزا جلب شوند.شیخ محمد خیابانی نماینده مجلس بود و پس از این وقایع اعلام کرد، می‌خواهد در تبریز حکومت آزادستان را تشکیل بدهد و از همه آزادخواهان خواست، به او ملحق شوند. میرزا هم گروهی را از رشت برداشت و به یاری او شتافت. در این زمان عده‌ای از علما دستگیر شدند و مردم هم به قم و مشهد اعطال شدند. میرزا هم موقعیت را مناسب دیدو به‌دنبال اندیشه اتحاداسلامی سیدجمال، به فکر افتاد که به‌عدایای همفکرانش در جنگل‌های شمال، به‌اصطلاح یک جامعه کوچک اسلامی بسازد و به‌داد فترا و به‌حساب‌ظالم‌ها برسد.همفکران میرزا غیر از آنهایی که در داخل کشور بودند، عده‌ای هم خارج درس خوانده بودند که برای کمک به او آمدند.از جمله محمدعلی جمال‌زاده، سعدالله‌خان درویش و ابراهیم پورداود که میرزا در حوزه علمیه صالح‌الدین رشت درس می‌خواند،هاو مالک‌السی و هم‌مباحثه بود. سعدالله‌خان درویش، زبان روسی و فرانسه می‌دانست و مترجم میرزا بود.هم فرمانده قشون او شد.در فاصله بین رشت، قوم و ماسوله، یادگانی درست کرد و به افراد تعلیمات نظامی داد و انصافاً خیلی به میرزا کمک کرد. میرزا بیش از ۴۲ سال عمر نکرد، ولی در این عمر کوتاه، توانست افرادی را جذب نهضت جنگل کند که اسباب حیرت است و نشان می‌دهد چه اندیشه‌والایی داشته است. از تباطات و اینترتت و این حرف‌ها هم که نبود. اینکه بدون ابزار ارتباطی بتوانی چنین افراد زده‌ای را جمع کنی و آن قدر نفوذ کلام و تأثیر داشته باشی که بیایند و با تو اینگونه همکاری کنند، واقعاً مهارت و هوش زیادی می‌خواهد که او داشت…».

تاریخ ادبیات

همراز

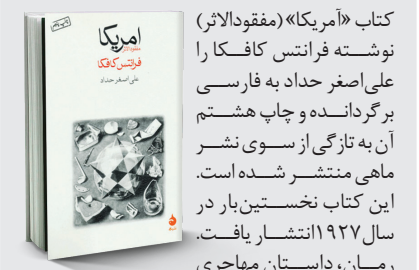
کتاب «همراز» نوشته «هلن گر میون» را انوشه برزونی به فارسی برگردانده و به تازگی چاپ چهارم آن از سوی نشر ماهی منتشر شده است.



کتاب حاضر در قالب رمان و با زبانی روان به روایت داستانی عاشقانه می‌پردازد. کامیل بعد از مرگ مادرش و در لابه‌لای نامه‌های تسلیت، با نامه‌ای از طرف لویی ناشناس روبه‌رو می‌شود. با آنکه نام و نشانی کامیل پشت آنها درج شده با خود فکر می‌کند که شاید تشابه اسمی رخ داده و نامه‌ها اشتباه برای او ارسال شده‌اند، اما با نامه‌های مجدد لویی دچار تردید می‌شود و… این کتاب، برنده جایزه استعداد ادبی جوان از کلوب‌های کتاب سنت ژرمن- آن لای خواننده را با خود همراه می‌کند. سادگی بافت کلامی روایت از دیگر نکته‌های قوت این رمان است. داستان حتی هنگامی که در زمان حال روایت می‌شود، نگاهی به گذشته دارد و در صحنه‌های توصیف جنگ، خواننده به راحتی خود را در فضای جنگ‌زده و رعب‌آور می‌بیند. همراز رمان پرماجرایی است و عنصر تعلیق در جای‌جای آن به چشم می‌خورد. این تعلیق به خواننده هیجان بیشتری برای ادامه دادن می‌دهد. وجود زنان بی‌رحم، مردان خیانتکار، حسادت، احساسات مادرانه و آتش جنگ، همراز را به مانسی لبریز از عواطف و احساسات انسانی، خواه مثبت یا منفی، تبدیل می‌کند. نشر ماهی این کتاب ۲۲۴صفحه‌ای را به بهای ۹۷هزار تومان منتشر کرده است.

تاریخ ادبیات

آمریکا



کتاب «آمریکا» (مفقودالانثر) نوشته فرانتس کافکا را علی‌اصغر حداد به فارسی برگردانده و چاپ هشتم آن در زمی ۱۳۰۱سوی منتشر ماهی منتشر شده است. سال کتاب نخستین بار در سال ۱۹۲۷ انتشار یافت. رمنان، داستان ماجهری جوان به نام کارل روسمان را روایت می‌کند که پس از تجربه اتفاقی خجالت‌آور، توسط پدر و مادرش به آمریکا فرستاده می‌شود. کارل انتظار دارد در این سرزمین جادویی فرصت‌ها بتواند اشتباهات گذشته را جبران کند و زندگی مفیدی را بی‌بگیرد اما او در عوض وارد گردایی از ماجراهایی عجیب و سرگرم‌کننده می‌شود. تصاویری از چشم‌اندازهای وسیع، خطرات و فرصت‌های این کشور، الهام‌بخش اصلی شکل‌گیری داستان این رمان ارزشمند هستند. کافکار در کتاب امریکا، از تحلیلی بنظیر خود کمال بهره برده و اثری ارزشمند را خلق کرده که به «سرزمین موعود» از درجه‌ای متفاوت می‌نگرد. این رمان پس از مرگ کافکا در سال ۱۹۲۷ به چاپ رسید. کافکا این کار را به نام مرید که بنادید شد (به آلمانی: Der Versalben) نوشت اما وقتی «ماکس برود» اولن را پس از مرگ او چاپ کرد آن را امریکانام نهاد. نشر ماهی چاپ هشتم رمان آمریکا(مفقودالانثر) نوشته فرانتس کافکا را ترجمه علی‌اصغر حداد در ۳۰۴صفحه به بهای ۱۲۵هزار تومان منتشر کرده است.

تاریخ ادبیات

۱۹۸۴



کتاب «۱۹۸۴» که در سال ۱۹۴۸ میلادی به رشته تحریر در آمد، یکی از آثار پرشروش در تاریخ ادبیات داستانی جهان است. این اثر، به نوعی پیشگویی جورج اورول درباره آینده کشورهای کمونیستی است؛ تصویر یادآمان شهری او از حکومتی که برای کنترل

شهروندانش دست به هر کاری می‌زند. وی‌نستون اسمیت، مجبور به اطاعت از قوانین حزب می‌شود و به‌منظور برآورده ساختن دستورات وزارت حقیقت، تاریخ را بازنویسی می‌کند. وی‌نستون با هر دروغی که می‌نویسد، بیشتر و بیشتر از حزب متفر می‌شود؛ حزبی که تنها هدفش کسب قدرت بیشتر است و آنها که جرأت از تک‌با فکری را به‌خود داده‌اند، تحت تعقیب قرار می‌دهد…

جورج اورول، نویسنده کتاب ۱۹۸۴ قبل از نوشتن این کتاب نیز با نوشتن ۲کتاب دیگر به نام «روزهای برمه» و «مزرعه‌حیوانات» شهرت فراوانی در کشورهای انگلیسی

سوی نشر نیلوفر(چاپ ۲۲) و نشر چشمه(چاپ ۳۰) منتشر شده است. احمد کسایی‌پور نیز ترجمه‌ای روان و خواندنی از این اثر را توسط نشر ماهی روانه بازار کتاب کرده که به تازگی چاپ دوم آن منتشر شده است.

نشر ماهی هفته پیش چاپ دوم این اثر را در ۲۵۶صفحه، به بهای ۱۴۵ هزار تومان راهی بازار نشر کرده است.